

سرمایه‌گذاران صورت پذیرد.

در این بین با توجه به حجم بسیار بالای بخش کشاورزی در افغانستان و نرخ بیکاری ۴۰ درصدی این کشور، می‌باید سرمایه‌های ورودی به افغانستان را از آن جهت که معیشت مردم افغان بر پایه کشاورزی - و نه صنعت و خدمات - استوار است، به بخش کشاورزی سرازیر نمود و علاوه بر جایگزینی کشت و زرع محصولات کشاورزی به جای افیون، با توجه به افزایش تقاضای نیروی کار، مضاف بر توسعه اقتصادی افغانستان، مشوقی برای افغانی‌های مهاجر پدید می‌آید تا به سرزمین خود باز گردند. نکته مهمتری که در این میان وجود دارد آن است که به دلیل رشد عرضه کالا و تقاضای همزمان نیروی کار، تقاضای افغانی بر مبنای حقوق و دستمزد در افغانستان افزایش می‌یابد که رشد ارزش افغانی نتیجه نهایی آن خواهد بود. افغانستان کار زیاد دارد، اما افق‌های تیره آن اضطراب‌آورند. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با «اقتصاد تریاک و جنگ» در صفحات ۳۰ - ۳۳ می‌خوانیم.

شدیدی که افغانی از خود نشان داده است و بعضاً بازرگانان و تجار این کشور را با ضررهای هنگفتی مواجه کرد، اقتصاد افغانستان به سمت مبادلات ارزی سوق یافت در حال حاضر، عمده ارزهای مبادله‌ای در افغانستان، دلار، پوند، روپیه پاکستان و ریال ایران است که دولت افغانستان برای مبارزه با این مسأله، جریمه‌هایی را برای مبادلات ارزی در نظر گرفته است و با استناد به این مورد و مواردی همچون آن، اشاره نموده که اعتماد مردم افغانستان به افغانی بیشتر شده و ارزش آن در حال افزایش است، اما به تحلیل کارشناسان «اقتصاد ایران» افزایشی که در ارزش افغانی ایجاد شده - و حتی رشد ۸ درصدی تقاضای افغانی در بازار - تنها به دلیل انتخابات ریاست جمهوری این کشور در تابستان ۲۰۰۹ - به دلیل افزایش هزینه‌ها و در نتیجه رشد تقاضای واحد پول افغانستان - بوده که این مسأله نمی‌تواند برای همیشه پایدار بماند. تنها راه حل افزایش ارزش افغانی و قدرت دا افغانستان بانک (بانک مرکزی افغانستان)، رشد سرمایه‌گذاری خارجی است که آن هم به دلیل ناامنی‌های موجود می‌باید با پا در میانی برخی نهادهای مهم پولی و مالی جهانی همچون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، از طریق تضمین برگشت سود و سرمایه

یارانه‌ها، حصار امن یا تهدید؟

مزیت اینجا است: انرژی

واحدهای تولیدی در فضای تیره اقتصادی کشور تا پیش از این نفس نمی‌کشیدند. هدفمندی یارانه‌ها این فضا را چگونه رقم خواهد زد؟

مشکلات پایه‌ای همت بگمارد. یکی از این مسایل آزادسازی نرخ ارز است تا تولیدکننده و صادرکننده ایرانی از دام مشکلات مربوط به ارز خلاصی یابند.

به علاوه لازم است به کمک‌های تسهیلاتی بانکی که در سال‌های اخیر، بحرانی در بخش نقدینگی در تولید پیش پای تولیدکننده قرار داده‌اند، به عنوان محرکی برای تولید نگریست. سیستم مالیاتی و فشاری که دولت از این حیث بر تولیدکننده داخلی وارد می‌آورد، موضوع دیگری است که همت دولت را می‌طلبد. علاوه بر همه اینها، ایجاد شرایط رقابتی در تولید از مسایلی است که متأسفانه در کشور ما تاکنون - حتی هم‌اکنون و در حین اجرای اصل ۴۴ - جدی گرفته نشده و رقابت دولت با بخش خصوصی منجر به عدم توسعه بخش خصوصی و کاهش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه شده است. این موضوع ضرورت واقعی شدن خصوصی سازی را گوشزد می‌کند.

فاتحه‌خوانی برای تولید

پس از آن که دولت توانست این مشکلات و مشکلات فراوان دیگر را که دامان فضای کسب و کار کشور را گرفته حل کند، می‌تواند به "مزیت‌کشی در تولید" (استعاره از حذف یارانه‌های انرژی) اقدام کند و تنها در آن شرایط است که بخش خصوصی خواهد توانست با تکیه بر اندوخته‌های ناشی از اقتصاد پایدار سر پای خود بایستد. البته این پایان ماجرا نیست. افزایش قیمت‌های داخلی در کنار مسایل فوق عامل دیگری است که به نابودی مجدد تولید خواهد انجامید، چرا که این امر منجر به حذف مزیت‌های رقابتی تولید ایرانی شده و نتیجه این امر افت مجلد صادرات و تولید در کشور خواهد بود. این موضوع در کنار دستان باز برخی واردکنندگان خاص به واردات آزاد و با تعرفه‌های اندک کالاهای چینی، فاتحه تولید را خواهد خواند - همان‌گونه که در این سال‌ها چنین بوده است.

تولید در کشور ما به خودی خود (جز در برخی صنایع وابسته به نفت) از

تولید در کشور ما تنها دارای یک مزیت است و آن هم یارانه انرژی که منجر به تأمین ارزان و آسان انرژی برای تحقق تولید محصولات مورد نیاز کشور می‌شود. ما گاهی فراموش می‌کنیم در آستانه تحقق اهدافی هستیم که مورد تأکید همه مسئولان و مردم است. طرح یک سؤال خالی از لطف نیست که وقتی قرار بر آن است در افق ۱۴۰۴ رتبه اول منطقه را از آن خود کنیم، آیا با این کیفیت که تنها مزیت تولید را هم برهم بزنیم، این مهم در مباحثی همچون تولید، صادرات، اشتغال، تورم و در یک کلام رشد اقتصادی جامعه تأمین می‌شود؟ ما منکر این حقیقت نیستیم که باید یارانه‌ها هدفمند شوند، اما تابع هدف ما چیست؟ کشاورزی کشور که تأمین‌کننده قوت مردم است در آستانه نابودی قرار دارد و ما به جای فراهم آوردن شرایط بهبود این بخش به فکر آزادسازی قیمت بذر و کود مورد نیاز کشاورزان هستیم آن هم در شرایط رکود تورمی!

در بخش صنعت هم وضع بدین منوال است. درست نیست در کشوری که تولیدکننده مطرح انرژی و دارای ذخایر غنی نفتی و گازی بوده و همچنین در تولید و استخراج این منابع دارای مزیت نسبی است، قیمت انرژی با قیمت در کشوری که واردکننده انرژی است یکسان باشد. در این شرایط و با توجه به فراهم نبودن زیرساخت‌های اجرای این طرح و این که هنوز برنامه خاصی برای نحوه اجرای این طرح در دست نیست، باید گفت عملیاتی کردن برخی اقدامات و تصمیمات خاص در شرایطی که هنوز پیش‌نیازهای اجرای آن فراهم نیست، می‌تواند اثرات به مراتب بدتری را بر اقتصاد کشور برجای بگذارد. به طور خاص می‌بینیم که در امر صادرات هنوز در پیچ و خم تشویق صادرات محصولات غیرنفتی هستیم. از گوشه و کنار صدای خوش تشویق برخی ارگان‌ها و سازمان‌ها مانند اتاق بازرگانی، صندوق ضمانت صادرات، بانک مرکزی و سایر سازمان‌های مرتبط با موضوع به گوش می‌رسد، درحالی که پس از این تولید هم با چالش‌های مضاعف مواجه خواهد بود چه برسد به صادرات. در این راستا به نظر می‌رسد اختصاص یارانه به تولید - و رای همه بحث‌های صورت گرفته در این راستا - همچنان گزینه اول پیشنهادی باشد. موضوع دیگر که از اهمیت بالایی برخوردار است آن است که دولت ابتدا به ریشه‌کشی

در این راستا، برای جلوگیری از اثرات مضاعف و تشدید کاهش قدرت خرید مصرف‌کننده و هزینه‌های تولید لازم است این تغییرات با فاصله زمانی همراه باشد و ابتدا باید با حذف آرام یارانه‌ها برای مصرف و پس از مدتی با کاهش تدریجی برای تولیدکننده از شدت اثرات این طرح تا حدودی کاست. در این راستا توزیع منطقی زمانی برای اجرا در یک دامنه پنج ساله می‌تواند تا حدودی اثرات نامطلوب طرح را کاهش دهد.

راهکار دیگر، اختصاص ارقام منطقی از محل عواید ناشی از آزادسازی یارانه‌ها است که لازم است این سهم متناسب با تولید و تورم در داخل باشد. طولانی شدن عمر اجرای این طرح از راهکارهایی است که دولت در عملیاتی کردن آن ناگزیر است. برقراری سازوکارهایی چون برقراری تسهیلات بانکی با شرایط مناسب، تضمین‌های دولتی، تخفیفات مالیاتی و بیمه‌ای، مشوق‌های تولید و صادرات از دیگر راهکارهای پیشنهادی برای به حداقل رسیدن اثرات حذف یارانه‌های تولیدی است. ■

توجه‌پذیری بالایی برخوردار نیست و در این سال‌ها در جذب سرمایه‌های خارجی در تأمین مالی طرح‌های تولیدی ناموفق بوده‌ایم که شاید بخش اعظمی از آن را بتوان به ریسک‌های سیاسی نسبت داد، اما در شرایط کنونی و با اجرای نادرست طرح نقدی شدن یارانه‌ها، احتمالاً این میزان سرمایه‌گذاری‌های کنونی نیز با چالشی جدی مواجه خواهد شد. مضاف بر این وقایع، نباید افزایش تقاضا برای کار را به دلیل کاهش سطح زندگی مردم و کاهش عرضه کار از طرف صنایع را به دلیل افت تولید و رکود فراموش کنیم. این امر به معنای برهم خوردن توازن در بازار کار و افت سطح دستمزدها خواهد بود که خود این موضوع، می‌تواند سطح تقاضای کل جامعه را کاهش داده و موجبات رکود مجدد را در صنایع فراهم سازد. به هر حال به نظر می‌رسد در صورتی که دولت با طیب خاطر و بدون پشتوانه‌های کارشناسانه به این اقدام دست بزند، باید کرکره تولید را برای همیشه پایین کشید.

دردهای صنعت نفت

"پارادوکس‌ها عذاب آورند"



تحلیل دکتر مهدی کرباسیان، کارشناس مسایل انرژی و رییس سابق صندوق بازنشستگی وزارت نفت

در این زمینه معضل بزرگ صنعت نفت کشور ما مسأله مالی است که از بُعد تأمین منابع مالی و قوت‌مندی شرکت‌ها به نحوی که بتوانند با پشتوانه مناسب، وظایف خود را به درستی به انجام برسانند، حایز اهمیت است و این ضعف شرکت‌های پیمانکاری ایرانی است. دلیل آن هم به ضعف بنیه مالی این شرکت‌ها و ناتوانی آنان در مقابله با شرکت‌های بزرگ بین‌المللی در کنار ضعف سیستم بانکی و بیمه‌ای کشور که توان تأمین مالی وسیع این شرکت‌ها را ندارند، برمی‌گردد.

پارادوکس‌هایی متفاوت

ما بعضاً در قوانین و مقررات اقتصادی‌مان با پارادوکس‌های جلی مواجه هستیم. از یک طرف به واکنزای کار به شرکت‌های ایرانی معتقدیم، از طرفی به واردات فناوری روز دنیا اصرار داریم و از طرف دیگر دخالت دولت را در بسیاری از پروژه‌های بزرگ ملی شاهدیم. به علاوه، بخش خصوصی ما ضعیف است و سیستم پولی و ارزی پرجالشی را در کشور شاهدیم. نرخ تورم و بهره بانکی بالایی داریم و لذا پیمانکاری را نمی‌یابیم که با نرخ بهره ۲۵ درصد بتواند فعالیت کند. در کنار این مسایل، گسستگی سیستم بانکی کشور از سیستم بانکی بین‌المللی معضل دیگری است. سیستم شفافیتی هم برای جابه‌جایی پول از داخل به خارج و برعکس نداریم. همه این موارد در کنار بحث تحریم جهانی مهم هستند. معضل دیگر این است که بودجه در کشور ما به درآمدهای نفتی متصل است و با کاهش درآمدهای نفتی با مشکلاتی همچون عدم پرداخت به موقع و کافی صورت وضعیت‌ها، عدم تأمین ضمانت‌نامه‌ها، مشکلات مربوط به خرید کالا و عدم شفافیت قراردادهای بسته‌شده، به دلیل مقررات و قوانین مبهم و در نهایت، تشدید گرفتاری‌های پیمانکاران داخلی مواجه خواهیم شد.

دست چندی‌ها

با نگاهی به شرکت‌های سرمایه‌گذار در صنعت نفت ایران باید به این حقیقت

با نگاهی به کلیه تحولات موجود در بازار نفت، از کشف منابع جدید گرفته تا قیمت‌های بالای نفت در سال‌های اخیر و با امعان نظر به این که کشور ما از بُعد منابع گازی در جایگاه دوم جهان قرار گرفته است، باید به این حقیقت اذعان داشت که همچنان نفت و انرژی مهمترین موقعیت سرمایه‌گذاری و درآمدزایی برای کشور ما محسوب می‌شوند. بدیهی است در این رابطه در سه بخش عمده اکتشاف، تولید و بهره‌برداری، قراردادهای نفتی و نقش شرکت‌های ایرانی از اهمیت بالایی برخوردارند. با نگاهی به تاریخچه نفت درمی‌یابیم حضور نیروهای خارجی در عرصه صنعت نفت ایران در گذشته و بروز و ظهور توانایی‌های ایرانی، به خصوص پس از تحریم‌های جهانی که برای کشور ما به عنوان یک موقعیت برای بازیابی توان شرکت‌های داخلی در تجهیز صنعت نفت محسوب می‌شوند، دو دوره مجزا را در بحث تولید در صنعت نفت به وجود آورده است. حدود ۱۵ سال گذشته، نهایتاً شرکت‌های ایرانی با همکاری شرکت‌های خارجی به حدی از توان رسیده‌اند که در بسیاری از فعالیت‌های با فناوری بالا نیز حرفی برای گفتن دارند. در پالایشگاه‌های ۹ و ۱۰ پارس جنوبی، بخش اعظمی از فعالیت ساخت‌وساز به وسیله شرکت‌های داخلی صورت گرفته و شرکت‌های خارجی نقش اندکی در توسعه صنعت نفت کشور ما دارند.

اما یک نکته را نباید فراموش کرد و آن این که پیمانکاران داخلی چه در ساخت و چه پیمانکاری و حتی طراحی و مهندسی، باید همواره با علم روز دنیا در ارتباط باشند. همکاری با شرکت‌های خارجی علاوه بر آن که منجر به تسریع در عملیات و اجرای کار می‌شود، بر ارتقا و بهبود در به روز رسانی علمی، انضباط در کار و ایجاد و انتقال فرهنگ پیشرفته و تخصص پیمانکاران بزرگ و فراملیتی به پیمانکاران داخلی ما، تأثیر فراوانی دارد. لذا این تصور که باید از صفر تا صد کار توسط پیمانکاران داخلی انجام شود، راه به بیراهه بردن است.

نکته دوم آن که اگر چه دولت در سال‌های گذشته با صادرات خدمات فنی و مهندسی در حال حمایت از صنعت است، اما این میزان حمایت‌ها به حدی که پیش‌بینی می‌شد نرسیده و این امر ضرورت حمایت بیشتر دولت را از بخش نفت گوشزد می‌کند. در این صورت است که شرکت‌های ما قادر به ارتباط و رقابت با شرکت‌های بین‌المللی خواهند بود.